درس 4

1 دعا

رهبر گروه: دعا کنید و اعضای گروه و نیز این درس را که راجع به موعظة ملکوت خدا است، به خداوند بسپارید.

2 در میان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقیقه)

خروج

هر یك به‌نوبت و به‌طور خلاصه، برای دیگران تعریف کنید که در خلال یکی از «اوقات خلوتی» که به مطالعه قسمت‌های تعیین‌شده از کتابمقدس مشغول بوده‌اید، چه آموخته‌اید (خروج 18، 20، 32، 33). (یا یادداشتهایی را که در اوقات خلوت خود نوشته‌اید، **بخوانید**).

به کسی که صحبت می‌کند خوب گوش کنید، سخنانش را جدی بگیرید و او را بپذیرید. در مورد آنچه می‌گوید بحث نکنید.

3 به خاطر سپردن (5 دقیقه)

عنوان مجموعه: ملکوت خدا

مرور. ملکوت خدا 4: هرگز از خدمت در ملکوت رو بر نگردانید: لوقا 9:62.

4 بررسی کتابمقدس (90 دقیقه)

رومیان 1:18-32

مقدمه: در رومیان 1:1-17، پولس رسول انجیل را معرفی می‌نماید. انجیل وسیلة قدرتمند خداست برای نجات انسانها؛ آن پیام خداست که می‌گوید خدا عدالت مسیح را به حساب تمام کسانی می‌گذارد که به او ایمان آورند. در رومیان 1:8-32، پولس می‌کوشد این آموزه را ثابت کند که «عادل‌شمردگی فقط از طریق ایمان حاصل می‌شود». برای این منظور، لازم بود که نشان دهد که هیچ انسانی عادل نیست و نمی‌تواند اقتضا و خواست خدا را به‌جا بیاورد. و از آنجا که هیچ کس در ذات خود از عدالت برخوردار نیست، بنابراین همه در معرض محکومیت الهی قرار دارند. او محکومیت غیریهودیان را در رومیان 1:18-32 مورد اشاره قرار می‌دهد، و محکومیت یهودیان را در رومیان 2:1 تا 3:20.

گام 1: قرائت

قرائت: رومیان 1:18-32 را با هم بخوانیم.

هر یك از ما به‌نوبت یك آیه را بخوانیم تا قرائت تکمیل شود.

گام 2: کشف کردن

ملاحظه: کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟

یا: کدام حقیقت در این بخش فکرتان یا قلبتان را لمس می‌کند؟

یادداشت: یك یا دو حقیقت را که درك می‌کنید کشف نمایید، در موردشان تفکر کنید، و فکرتان را در دفترتان یادداشت کنید.

در میان گذاشتن: (پس از آنکه اعضای گروه وقتی را به فکر کردن و یادداشت کردن گذراندند، بخواهید که به‌نوبت افکارشان را در میان بگذارند).

حالا به‌نوبت آنچه را که کشف کرده‌ایم، با یکدیگر در میان بگذاریم.

(سطور بعدی نمونه‌ای است از اینکه چطور افراد کشفیات خود را در میان می‌گذارند. به یاد داشته باشید که در هر گروه کوچك، اعضای گروه مطالب متفاوتی را با هم در میان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذیل را.)

کشف: حقیقت مهم برای من، «عواقب و نتایج خصائل بی‌دینی» است.

1) خدا در خصائل و رفتار خود مقدس و عادل است. بنابراین، زمانی که افرادی را داوری می‌کند که خصائلشان نامقدس و رفتارشان غیرعادلانه است، عملش کاملاً عادلانه است. لذا کسی که به‌خاطر بی‌دینی یا ناراستی‌اش محکوم می‌شود، به‌انصاف در معرض خشم عادلانه خدا قرار می‌گیرد. چنین شخصی قادر نیست بر اساس خصائل یا رفتار خودش، از خدا انتظار لطف و محبت داشته باشد!

2) در آیات 18 تا 32، پولس نخست ثابت می‌کند که غیریهودیان (امت‌ها) کاملاً ناعادل می‌باشند. ایشان در واقع، بی‌دین (خدانشناس) و ناراست (شرور) می‌باشند (آیه 18). بنابراین، غیریهودیان برای دریافت رستگاری، به عدالت خدا نیاز دارند. بدون آن، یقیناً هلاك خواهند شد! در آیات 18 تا 23، پولس به تشریح خصائل بی‌دینی غیریهودیان می‌پردازد، و در آیات 24 تا 32، به تشریح رفتار شرورانه‌شان .

3) خدا خصائل الهی و مَنِش قدرتمند خود را به‌روشنی بسیار از طریق آفرینش خود آشکار فرموده است. غیریهودیان همیشه می‌توانسته‌اند در بارهٔ خصائل و رفتار خدا آگاهی کافی به‌دست آورند. ایشان همیشه می‌توانسته‌اند پی ببرند به اینکه خالقی مافوق همه وجود دارد که بسیار توانمند می‌باشد. از همین رو، غیریهودیان هرگز نمی‌توانند برای خصائل بی‌دینی و رفتار شرورانهٔ خود عذر و بهانه‌ای بیاورند (آیات 19 تا 20)!

4) غیریهودیان گرچه فرصت این را دارند که خدا را بشناسند، اما او را پرستش و خدمت نمی‌کنند. به‌جای آن، ایشان نه فقط بر حقایق الهی سرپوش می‌گذارند (آیه 18)، بلکه دروغهای ساخته و پرداختهٔ خود را جایگزین آن می‌سازند (آیه 25)! در نتیجه، خود را تسلیم همه نوع بت‌پرستی می‌کنند. غیریهودیانِ بی‌سواد بتهایی از سنگ می‌سازند. آنان جلال خدای غیرفانی را با تصاویر و تمثال‌هایی از انسان و حیوانِ فانی معاوضه می‌کنند (آیات 21 تا 23). اما غیریهودیانِ تحصیل‌کرده اندیشه‌های خاص خودشان را در بارهٔ خدای خود و مذهب خود و کتاب‌های مذهبی خود ابداع می‌کنند. آنان خدایی به صورت و شباهت خودشان می‌سازند، زیرا در اینصورت می‌توانند خدای خود را بپرستند بدون اینکه لازم باشد خصائل بی‌دینی و رفتار شرورانهٔ خود را تغییر دهند. اما اگر کسی مایل باشد خدای زنده را بپرستد، یعنی خدای کتابمقدس را، در اینصورت باید خصائل و رفتارهای خود را تغییر دهد!

5) عواقب و نتایج خصائل و خصوصیات بی‌دینی بسیار هولناك است! هر آنچه که اینگونه اشخاص در ذهن خود می‌اندیشند، در نظر خدا عبث و کاملاً بیهوده می‌گردد. و هر آنچه که از قلبشان بیرون می‌آید، چیزی جز تاریکی نیست (آیه 21). «هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است» (پیدایش 6:5). «زیرا که از دل بر می‌آید خیالات بد» (متی 15:19). غیریهودیان نشان داده‌اند که در عمق وجود خود تاریك هستند و توانایی انجام هر کار عادلانه را از دست داده‌اند!

کشف: حقیقت مهم برای من، «عواقب و نتایج رفتار شرورانه» است. پولس در آیه‌های 24 تا 32 به تشریح رفتار شرورانهٔ غیریهودیان و عواقب هولناك آن می‌پردازد. ایشان ارزشی برای حفظ و نگهداری شناخت خدا قائل نمی‌شوند، شناختی که یا از مشاهدهٔ خلقت خدا کسب می‌کنند، یا از احکام اخلاقی که بر قلبشان نگاشته شده است (آیه 28). به‌جای آن، نه فقط خودشان به انجام هر نوع ناراستی ادامه می‌دهند، بلکه هر ناراستی‌ای را نیز که به‌دست دیگران انجام می‌گیرد، مورد تأئید قرار می‌دهند (آیه 32). نتایج و عواقب رفتار شریرانه بسیار هولناك است! خدا افراد شرور و بدکار را تسلیم ناراستی خودشان خواهد ساخت! آنان دقیقاً همان را درو خواهند کرد که کاشته‌اند (غلاطیان 6:7)! ایشان امیال گناه‌آلود نظیر انتشار تصاویر و فیلمهای قبیح را رواج می‌دهند و به هر نوع اعمال جنسی نامشروع دست می‌زنند. از اینرو خدا ایشان را تسلیم زندگی آکنده از گناهان جنسی و آلودگیهای ناشی از صُوَر قبیحه می‌گرداند (آیه 24). او ایشان را تسلیم شهوات شرم‌آور و غیرقابل مهار (آیه 26) و ذهن تباه‌شده می‌کند (آیه 28). خدا آنانی را که ناراستی را ابداع می‌کنند و به‌عمل می‌آورند و رواج می‌دهند، به امواج متلاطم زندگی مالامان از شرارت دائمی رها می‌سازد. ایشان در منجلاب تباهی و فساد، بیشتر و بیشتر فرو می‌روند، خصوصاً در گناهان جنسی. شاهد این تباهی اخلاقی همانا بی‌بند و باری‌های گسترده جنسی، همجنس‌گرایی‌های فجیع، و بیماریهای وحشتناك جنسی در میان مردها و زنها می‌باشد (آیه‌های 26 و 27). غیریهودیان ثابت کرده‌اند که با ارتکاب هر نوع شرارتی در دنیا، کاملاً ناعادل می‌باشند (آیات 29 تا 31). غیریهودیان در رفتار ظاهری خود نشان داده‌اند که به‌طرز هولناکی تباه شده‌اند و توانایی انجام هر کار عادلانه را از دست داده‌اند!

گام 3: سؤال

ملاحظه: از این بخش چه چیزی مایلید از گروه بپرسید؟

سعی کنیم همه حقایق موجود در رومیان 1:18-32 را درك کنیم و در مورد مطالبی که درك نمی‌کنیم، سؤال کنیم.

یادداشت: سؤال خود را تا حد امکان روشن طرح کنید. سپس آن را در دفترتان بنویسید.

در میان گذاشتن: (پس از آنکه اعضای گروه وقتی را به تفکر و یادداشت کردن گذراندند، اجازه دهید ابتدا هر کس نظرات خود را مطرح کند.)

بحث: (سپس چند تا از این سؤالات را انتخاب کنید و بکوشید در بارهٔ آنها در گروه بحث کنید و پاسخشان را بیابید.)

(مطالب ذیل نمونه‌هایی است از سؤالاتی که ممکن است محصلین مطرح کنند؛ همچنین تذکراتی برای بحث در بارهٔ سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1: (1:18) «چرا خدا نسبت به انسان خشمگین است؟»

یادداشتها: خدا نه فقط خدایی است مهربان ، بلکه خدایی مقدس و عادل نیز می‌باشد.

1) «خشم خدا تجلی طبیعت قدوس و عادل اوست.» عدالت تنبیه‌کنندهٔ خدا یکی از صفات اساسی الهی است. عدالت مقدس خدا، مجازات گناه را ضروری می‌سازد. عدالت مقدس خدا همچنین اساس نیاز انسان به کفارهٔ نیابتی است تا گناهانش بخشوده شود. این اصل، بنیاد توضیحات پولس در خصوص آموزهٔ عدالت می‌باشد. «خشم خدا» در حکم عدالت خدا و خشم مقدس او علیه گناه انسان است؛ عزم عادلانهٔ اوست برای مجازات گناه انسان. خشم خدا «از آسمان» آشکار می‌شود، یعنی از همانجا که خدا ساکن است. خشم خدا به‌واسطهٔ مجازات عملی گناه به طرق گوناگون، «مکشوف» یا آشکار می‌شود. برای مثال، خدا گناه را به‌واسطهٔ طوفان نوح، ویرانی سدوم و گوموراً، و ده بلایی که بر مصریان فرستاد، کیفر رساند (ر.ش. حزقیال 14:21).

2) «خشم خدا تجلی مجازات منصفانهٔ اوست.» «بی‌دینی» به‌معنی خداناشناسی است و «ناراستی» به‌معنی رفتار غیر منصفانه نسبت به انسانها. خشم خدا علیه کسانی است که ناراستی را باز می‌دارند و نیز حق (یا راستی) را تبدیل و تغییر می‌دهند! «حق» هر آنچیزی است که در نظر خدا راست و مقدس و درست است. حق به‌طور خاص اشاره دارد به حقیقت مذهبی و اخلاقی که خدا در کتابمقدس آشکار فرموده است (یوحنا 3:21؛ 8:32؛ دوم قرنتیان 4:2؛ دوم تسالونیکیان 2:12). «حق» الهی در کتابمقدس آشکارکنندهٔ یگانه مذهب راستین و یگانه اخلاقیات درست در دنیا می‌باشد! انسان حق خدا را به‌واسطهٔ ناراستی‌اش «باز می‌دارد» یعنی بر سر راه آن مانع ایجاد می‌کند. انسان چگونه راستی را باز می‌دارد ؟ انسان با اینکه دانش و آگاهی کافی دارد در این خصوص که خدا مقدس و عادل و قادر است، برای او احترامی قائل نمی‌شود و به احکام او اعتنایی نمی‌کند، احکامی که تنظیم‌کنندهٔ روابط او با خدا و با سایر انسانهاست. او حقیقت را می‌داند اما آن را از وجدان و زندگی‌اش کنار می‌زند. بنابراین، خدا انسان را به‌سبب بی‌حرمتی به او و احکامش مجازات می‌کند. انسان چگونه حق را تبدیل می‌کند؟ او نه تنها حق الهی را از زندگی خود کنار می‌زند، بلکه هر نوع دروغ بشری را جایگزین آن می‌سازد. او ابداعات ساخته و پرداخته بشر در بارهٔ خدا را جایگزین خود خدا می‌سازد. او هر نوع تعلیم منحرف و انسانی را جایگزین تعالیم راست کتابمقدس می‌کند. خدا قطعاً تمام کسانی را که به هر نوع مذهب دروغین ایمان دارند و به هر نوع مذهب دروغین عمل می‌کنند، مجازات خواهد کرد. مذاهب غیرمسیحی درست نیستند، زیرا مذهب مسیحی راستین را سرکوب می‌کنند!

سؤال 2: (1:1-20) «خدا چگونه خود را بر غیریهودیان مکشوف می‌سازد؟»

یادداشتها:

1) «همهٔ انسانها یك مکاشفهٔ عمومی از خدا دریافت کرده‌اند.» خدا هرگز خود را در میان مخلوقات متفکر بر روی زمین بی‌شهادت نگذاشته است. او در مورد ذات خود و انتظاراتی که از مخلوقاتش دارد، خود را به‌اندازهٔ کافی شناسانده است؛ او این مقصود را به‌واسطهٔ اعمالش در خلقت (1:19-20) و از طریق احکام اخلاقی‌اش که در قلب بشر نوشته است (2:15)، متحقق ساخته است. خدا بشر را با این توانایی سرشت که بتواند در بارهٔ خدا دانشی داشته باشد. پولس نمی‌گوید که هر چه می‌توان از خدا شناخت، بر غیریهودیان مکشوف شده است. او فقط اظهار می‌دارد که غیریهودیان آنقدر در مورد خدا شناخت دارند که هیچ عذر و بهانه‌ای برای بی‌دینی و ناراستی خود نداشته باشند ! این دانش فقط به این محدود نمی‌شود که بدانند خدایی هست، بلکه شامل شناخت ذات خدا و صفاتی نظیر قدرت ابدی‌اش، الوهیتش (آیه 20)، و عدالتش (آیه 32) می‌گردد. طبق سایر بخشهای کتابمقدس، غیریهودیان از «صفات نادیده خدا» شناخت دارند، صفاتی نظیر نیکویی، حکمت، قدرت، و کبریایی او که در اعمالش متجلی شده است (مزمور 8 و 19؛ اشعیا 40:21-26؛ اعمال 14:17؛ 17:24-27).

این دانش در مورد خدا «بر ایشان ظاهر شد» یا طبق 1:19، « در ایشان ظاهر است». این مکاشفه (یا آشکارسازی) در فکر و قلب ایشان است. بشر از آنجا که اینچنین آفریده شده، یعنی به‌صورت و شباهت خدا، اثری از ذات و صفات کامل او را در خود دارد. این امر او را قادر می‌سازد تا تجلیات الهی را در آفرینش او مشاهده کند. خدا هرگز خود را بی‌شهادت نگذارده است. وجود خدا و صفات عالیهٔ او همواره آنچنان روشن بوده که بشر، این موجود عُقَلایی را چاره‌ای نیست جز تصدیق حقانیت و یکتایی خدا و عبادت او! به این سبب است که مخلوقات عقلایی خدا، موجوداتی اخلاقی‌اند. انسان در مقام موجودی عقلایی و اخلاقی، هیچ عذر و بهانه‌ای برای بی‌دینی و ناراستی خود ندارد (آیات 19-20 و 32).

اما این دانش و معرفت در بارهٔ خدا سرکوب و تبدیل شده است (آیات 18 و 25). گرچه همهٔ انسانها قادرند به وجود خدا و صفات او پی ببرند، اما او را هرگز «تمجید و شکر» نکرده‌اند (آیه 21). برای این امر هیچ عذر و بهانه‌ای متصور نیست چرا که انسانها مطابق شناختی که از راستی دارند عمل نمی‌کنند ! به‌جای آن، عمداً و با ناراستی در برابر راستی مقاومت می‌کنند.

بت‌پرستی انسان نتیجهٔ جهل و ناآگاهی او نیست، بلکه ثمرهٔ بی‌دینی تباه‌شده و عمدی اوست! او می‌داند چه چیزی در نظر خدا راست است (32)، با اینحال آن کاری را انجام می‌دهد که در نظر او نادرست است. انسان خدای زنده را همچون خدای خود عبادت نمی‌کند، و خدای زنده را به‌عنوان «سرچشمهٔ» زندگی و مواهب خود تصدیق نمی‌نماید.

به همین شکل، آلودگیهای جنسی او نتیجهٔ جهلش نیست، بلکه ثمرهٔ بی‌دینی تباه‌شده و عمدی‌اش می‌باشد. او می‌داند که چه کاری در حق دیگران درست است (32)، با اینحال آن کاری را انجام می‌دهد که در حق آنان نادرست است. انسان هر نوع ناراستی را در حق سایرین انجام می‌دهد (آیات 29-31). حتی فاسدترین گناهکار نیز در درون خود می‌داند که راستی را سرکوب می‌کند یا راستی را با دروغ جایگزین می‌سازد و به این علت، خطاکار است. او می‌داند که به انصاف در معرض خشم خداست. آیه 32 می‌گوید که انسان گرچه ارادهٔ عادلانهٔ خدا را می‌شناسد ، و اینکه کنندگان چنین کارهایی سزاوار مرگند، اما نه فقط به انجام همین کارها ادامه می‌دهد، بلکه کنندگان آنها را نیز تشویق می‌کند. انسان نمی‌تواند وجدان خود را کاملاً خاموش سازد!

2) «همهٔ انسانها نیاز به مکاشفهٔ خاصی از خدا دارند.» گرچه مکاشفهٔ خدا یعنی آشکار شدنش در کارهایش کافی است تا هر عذر و بهانهٔ انسان را در قبال داوری خدا بی‌اثر سازد، اما این دلیل بر آن نیست که چنین مکاشفهٔ عمومی برای هدایت او بسوی نجات کافی باشد. انسان برای نجات و رستگاری، به چیزی بیش از مکاشفهٔ عمومی خدا نیاز دارد؛ او نیازمند مکاشفهٔ خاص خداست. احساسات مذهبی طبیعی انسان و درك مذهبی او هرگز قادر به نجات او نیست. تجربهٔ همهٔ انسانها در سراسر جهان و در تمامی شرایطِ متنوع، ثابت می‌کند که دانششان از خدا ایشان را بسوی ایمان به عیسی مسیح هدایت نکرده است (دانشی که ناشی می‌شود از مشاهدهٔ کارهای خدا در طبیعت و احکام اخلاقی او که در قلب انسان قرار دارد). دانش غیریهودیان در بارهٔ خدا که مبتنی است بر کارهای خدا، و ندای قلبی ایشان، و آداب و رسوم تار و مبهمشان، ایشان را بسوی خدای کتابمقدس و عدالت و قدوسیت مورد انتظار او رهنمون نمی‌شود. برای دریافت رستگاری، انسان نیاز به مکاشفهٔ خاص خدا دارد (آیات 21-23). این مکاشفهٔ خاص در انجیل عطا شده است (1:17؛ 3:21). انجیل مکاشفهٔ خاص خداست.

سؤال 3ـ (1:21-27) «چرا خدا انسان را به شهوات دلش و به روش تباه‌شدهٔ زندگی تسلیم می‌کند؟»

یادداشتها:
1) «خدا رابطهٔ معینی میان مذهب و اخلاقیات برقرار کرده است.» بی‌دینی منجر به ناراستی و شرارت می‌گردد. خطای مذهبی منجر به تباهی اخلاقی می‌شود. کسانی که نمی‌خواهند آنچه را که خدا در بارهٔ خود آشکار فرموده بپذیرند، شناختشان در بارهٔ خدای زنده رفته رفته به انحطاط کشیده می‌شود (آیه 21). ارتباط شخص با خدا هر چقدر کمتر شود، به همان اندازه رفتارش فاسد و تباه می‌گردد. برای مثال، وقتی شخص خدا را تمجید و شکر نمی‌کند، در خیالات خود باطل می‌گردد (آیه 21). وقتی شخص به خدایی دروغین یا عقاید مذهبی کذب ایمان می‌ورزد، فساد جنسی وارد زندگی‌اش می‌شود (آیات 23-25). نقطهٔ مقابل این نیز صادق است. وقتی شخص در فساد جنسی زندگی می‌کند، می‌توان حدس زد که احتمالاً پیرو عقاید مذهبی کاذبی است. خدا رابطه‌ای ناگسستنی میان بی‌دینی و فساد جنسی برقرار ساخته است. خوشبختانه، عکس این نیز صادق است. وقتی شخص با خدای زنده زندگی می‌کند، اخلاقیاتی درست و عادلانه خواهد داشت!

2) «خدا گناه را اغلب با تسلیم گناهکار به گناهان بیشتر تنبیه می‌کند.» این واقعیت که خدا انسان را از نظر قضایی به دست گناه رها می‌کند، با قدوسیت خدا و با عملکرد اخلاقی انسان همخوان است. خدا کسی را مجبور یا وسوسه نمی‌کند که مرتکب گناه شود (یعقوب 1:13)، اما او را به شرارت خودش رها می‌کند . وقتی که خدا انسانها را تسلیم ناپاکیهای تباه‌کنندهٔ جنسی و هوس‌های خبیثانه می‌سازد تا اینها را در میان خود به‌عمل آورند (آیات 24و26)، در واقع تنها کاری که می‌کند این است که از مهار کردنِ اعمال شریرانه‌شان دست می‌کشد . زمانی که خدا انسان را تسلیم ذهن تباه‌شدهٔ خودش می‌سازد، ذهنی که می‌تواند فقط انواع شرارت را اختراع کند (آیات 28-31)، در واقع او را به دست گناهانش رها می‌کند. خدا به بشر اجازه می‌دهد که همان را درو کند که کاشته است (غلاطیان 6:7).

3) «خدا نسبت به بی‌دینان و شریران صبری فراوان نشان می‌دهد.» خدا پیش از آنکه شخص را به هوس‌های گناه‌آلود و روش تباه زندگی‌اش تسلیم کند، صبر زیادی نسبت به او نشان می‌دهد. برای مثال، پیش از آنکه قائن برادرش را به‌قتل رساند، خدا نسبت به او با ملاطفت عمل کرد. او قائن را دعوت کرد تا به راستی عمل کند تا مقبول او واقع شود (پیدایش 4:6-7). پیش از طوفان نوح، خدا برای مدت‌زمانی طولانی صبر کرد به این امید که مردم شرور توبه کنند و هلاك نشوند (پیدایش 6:5؛ اول پطرس 3:20؛ دوم پطرس 3:9). خدا به ایزابل که باعث ترویج بت‌پرستی و گناهان جنسی در کلیسا بود، فرصت داد تا از فساد روحانی و جنسی خود توبه کند. اما از آنجا که او و همدستانش مایل به توبه نبودند، خدا آنان را به عذابی سخت دچار ساخت (مکاشفه 2:20-22).

4) «خدا بشر را در این دنیا مورد داوری قرار می‌دهد تا ایشان را از داوری ابدی نجات دهد.» خدا بشر را در زمان حال مورد داوری قرار می‌دهد تا ایشان را از داوری ابدی رهایی دهد! هدف خدا از داوری انسان در این دنیا این است که او را تأدیب و اصلاح کند، یعنی به او هشدار دهد، گناهانش را

برایش آشکار سازد، او را نسبت به گناهش هشیار کند، توبیخش نماید، و به توبه دعوتش کند. هدف خدا این است که کاری را انجام دهد که هم‌اکنون برای بشر خوب است. اگـر خـدا اجـازه دهـد کـه بی‌دیـنی و شرارت بشر بدون هیچ مانعی ادامه یابد، نهایتاً ایشان بردهٔ گناهانشان خواهند شد و برای خدا راهی بـاقی نمی‌گذارند جز اینکه ایشان را با مجازاتی ابدی کیفر رساند. هدف خدا از داوری فعلی این است که بـاعث شود انسان از بی‌دینی و ناراستی‌اش دست بشوید و به‌جـای آن، شـریك قدوسـیت و عـدالت الهی گـردد (عبرانیان 12:4-13). خدا مجازات می‌کند تا شفا دهد (اشعیا 19:22). اما اگر انسان صبر خدا را با توبـهٔ خود پاسخ ندهد، آنگاه خدا در خشـم عادلانـه خـود، سـرانجام او را بـه جـدایی ابـدی از حضـور و محبت و مراقبت خود محکوم خواهد کرد (دوم تسالونیکیان 1:8-9).

سؤال 4: (1:26-27) «نگرش کتابمقدس در بارهٔ همجنس‌گرایی چیست؟»

یادداشتها:

1) «رابطهٔ زناشویی.» به‌موجب تعلیم صریح کتابمقدس، رابطهٔ جنسی فقـط بـرای شـوهر و زن در چارچوب ازدواج در نظر گرفته شده است، و نه در هیچ چارچوب و ارتباط دیگـری! در کتابمقـدس رابطـهٔ زناشویی همواره میان یك مرد است و یك زن. ازدواج یك مرد و یك زن امری است که خدا از ابتدا مقرر فرموده و هرگز ابداع و اختراع هیچ جامعه‌ای نبوده است (پیدایش 1:27؛ 2:24؛ مـتی 19:5؛ افسسـیان 5:31). وقتی مرد و زنی ازدواج می‌کنند، تصدیق می‌نمایند که ایشان را خدا برای تمام طول زندگی‌شـان به یکدیگر می‌پیوندد (متی 19:6) و در حضور خدا عهد می‌کنند که نسبت به یکدیگر وفـادار بماننـد (ملاکی 2:14-15). خدا از مردم در تمام فرهنگها و در همهٔ دوره‌ها می‌خواهد که پیوند ازدواج را گرامی بدارنـد و رابطهٔ جنسی را فقط در چارچوب ازدواج مجاز بشمارند (عبرانیان 13:4).

2) «رابطهٔ همجنس‌گرایانه.» آنچه در کتابمقدس مورد بحث قرار می‌گیرد گرایشها یا احساسات جنسی فرد نیست، به این معنا که آیا او به غیرهمجنس گـرایش دارد یـا بـه همجنس خـود. در کتابمقـدس مسأله مورد بحث این است که شخص چگونه باید گرایشهای جنسی و احساسات جنسی خود بروز دهـد. کتابمقدس در بارهٔ دلایلِ احتمالی مختلف که بـاعث می‌شـود بعضـی فکـر کننـد کـه همجنس‌گـرا هسـتند، توضیحی نمی‌دهد. اما به‌روشنی تعلیم می‌دهد که شخص با امیـال جنسـی خـود چـه می‌توانـد بکنـد و چـه نمی‌تواند، بدون توجه به اینکه این امیال چه گرایش یا جهتی دارد! خدا میـل جنسـی را آفریـد تـا شـوهر و زن را با پیوندی دائمی به یکدیگر بپیوندد (پیدایش 2:24). او میل جنسی را به‌منظور لـذت ایشـان (ر.ش. کتاب غزل غزل‌ها) و برای تولید مثل پدید آورد (پیدایش 1:28). اما خدا هر گونه رابطـهٔ جنسـی را به‌غـیر از رابطهٔ جنسی میان زن و شوهر در چارچوب ازدواج را ممنوع ساخته اسـت. هـر گونـه ارتبـاط جنسـی دیگر بر خلاف قصد و ارادهٔ اعلام‌شدهٔ خداست. در عهدعتیق، خدا به‌سختی گناهان جنسی نظـیر زنـای بـا محارم، روابط جنسی نامشروع، همجنس‌گرایی، رابطـه جنسـی بـا حیوانـات (لاویـان 18:6 و 20 و 22 و 23؛ 20:10 و 13 و 15 و 17)، بی‌بندوباری جنسی، خیانت در ازدواج، تجـاوز، و روسـپیگری را محکـوم کرده است (تثنیه 22:20-30؛ 23:17؛ 27:21). در عهدجدید خدا به‌سختی خطاکاران جنسی را محکوم می‌سازد، نظیر افرادی که مروج صور قبیحه هستند، کسانی که در اثـر روابـط نامشـروع پیونـد زناشـویی خـود را می‌گسـلند، لواط‌کـاران، و همجنس‌بـازان (اول قرنتیـان 6:9-10). خـدا سـخنی از جهت‌گـیری یـا گرایش یا احساسـات جنسـی افـراد به‌میـان نمی‌آورد، به‌همـان شـکل کـه سـخنی از گـرایش انسـان بـه دروغ‌گویی، دزدی، یا نزاع به‌میان نیاورده است. همهٔ انسـانها در همـه نقـاط جهـان به‌طـور فطـری دارای جهت‌گیری گناه‌آلود و گرایشهای گناه‌آلود و احساسات گناه‌آلود می‌باشند. همهٔ انسانها در معرض وسوسه هستند که تسلیم طبیعت قدیمی و گناه‌آلود خود گردنـد. خـدا انسـان را زمـانی محکـوم می‌کنـد کـه او بـا دروغ‌گویی، دزدی، نزاع، و ارتکاب همه گناهان جنسی فوق، تسلیم طبیعت قدیمی و گنـاه‌آلود خـود شـود. آنانی که تسلیم فساد انحرافات جنسی می‌شوند، در آتش عذاب جاودانی کیفر خواهنـد دیـد (یهـودا 1:7). خدا آنانی را که بدن خود را ویران می‌سازند، ویران خواهد ساخت (اول قرنتیان 3:16-17). اما کلام خـدا در اول قرنتیان 6:11 تعلیم می‌دهد که هر که گناه کرده است، می‌تواند نجات و رسـتگاری یابـد، به‌شـرط اینکه برای عادل شدن بسوی عیسی مسیح بیاید و خود را تسلیم کار روح‌القدس بسازد تا تقـدیس شـود. خدا همجنس‌بازی را محکوم کرده، اما همجنس‌بازان می‌توانند بـا دسـت کشـیدن از کارهـای خـود و روی آوردن به عیسی مسیح، نجات یابند.

گام 4: کاربرد

ملاحظه: کدامیك از حقایق موجود در این بخش، چیزی است که مسیحیان می‌توانند امروز آن را به‌کار ببرند؟

در میان گذاشتن و یادداشت کـردن: بـا یکـدیگر فکـر کـنیم و از رومیـان 1:18-32 فهرسـتی از کاربردهای احتمالی تهیه کنیم.

ملاحظه: کدام کاربرد احتمالی را خدا می‌خواهد که شما به کاربردی شخصی برای خودتان تبدیل کنید؟

یادداشت کردن: این کاربرد شخصی را در دفترتان بنویسید. می‌توانید کاربرد شخصی‌تان را با دیگران در میان بگذارید.

(به یاد داشته باشید که در گروههای مختلف، افراد ممکن است حقایق متفاوتی را برای کاربرد شخصی انتخاب کنند، یا حتی کاربردهای متفاوتی را از یك حقیقت استخراج کنند. ذیلاً فهرستی از کاربردهای احتمالی را ارائه می‌دهیم.)

کاربردهای احتمالی:

- 1:18؛ هرگز راستی را سرکوب نکنید!
- 1:19-20؛ بکوشید صفات نادیدهٔ خدا را از کارهایش در طبیعت مورد توجه قرار دهید.
- 1:20؛ هرگز برای خدای زنده عذر و بهانه نیاورید. هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که در جهل کامل بوده است!
- 1:21؛ خدا را برای همه مواهبش شکر کنید و او را برای هر چه که هستید و هر چه می‌کنید، جلال دهید.
- 1:23و25؛ هرگز راستی را تبدیل به دروغ نکنید!
- 1:23-24؛ مراقب باشید! مذاهب دروغین قطعاً منجر به اعمال فاسد جنسی می‌گردد.
- 1:24و26و28؛ مراقب باشید که اگر توبه نکنید، خدا ممکن است شما را تسلیم عادات گناه‌آلودتان سازد.
- 1:17؛ یك هشدار! همجنس‌بازی (یعنی عمل کردن به آن، و نه گرایش به آن) منتهی به بیماریهای هولناکی می‌شود.
- 1:28؛ شایسته است که دانشی را که از خدای زنده دارید، حفظ کنید.
- 1:28-29؛ بی‌دینی قطعاً منتهی به هر گونه ناراستی و شرارت می‌گردد.
- 1:29-31؛ این فهرستی است عملی از آنچه که خدا گناه به‌شمار می‌آورد.
- 1:32؛ هیچکس نمی‌تواند وجدان خود را به‌طور کامل خاموش سازد!

کاربردهای شخصی

- من تصدیق می‌کنم که زمانی که هنوز غیرمسیحی بودم، بی‌دین و ناراست و شرور بودم. همچنین در زندگی‌ام، نمونه‌هایی از بی‌حرمتی به خدا و ارتکاب انواع کارهای شرورانه وجود داشت. فقط زمانی توانستم توبه کنم و بسوی عدالت خدا بازگردم که پی بردم که هیچ عدالتی در خودم نیست که بتواند انتظار خدا برای عدالت را بر آورد. عدالت خدا زمانی به من عطا شد که ایمان آوردم که عیسی مسیح برای گناهان من مرد و قیام کرد تا ثابت کند که خدا قربانی کفاره‌کنندهٔ او برای گناهان مرا پذیرفته است!
- من به‌خوبی آگاهم که میان معتقدات مذهبی فرد و زندگی اخلاقی‌اش رابطه‌ای ناگسستنی وجود دارد. هر که بی‌دین و خدانشناس باشد دست به ناراستی و شرارت خواهد یازید. هر که به مذهبی دروغین معتقد باشد، مآلاً به بت‌پرستی کشیده خواهد شد یا مرتکب گناهان جنسی خواهد گردید. بنابراین، برای من بسیار مهم است که حقایق انجیل را به مردم بیاموزم تا ایشان نیز بتوانند زندگی اخلاقی درستی داشته باشند. من این را هدف خود قرار خواهم داد که اصول اعتقادات مسیحی و اخلاقیات مسیحی را به مردم آموزش دهم و ایشان را در این راه تربیت نمایم.

گام 5: دعا

دعا: هر یك از ما به‌نوبت در بارهٔ یکی از حقایقی که خدا از رومیان 1:18-32 به ما آموخته است، دعا کنیم.

(نسبت به آنچه که در طول این بررسی کتابمقدس آموخته‌اید، در دعا واکنش نشان دهید. تمرین کنید که فقط طی یك یا دو جمله دعا کنید. به یاد داشته باشید که افراد در گروههای مختلف، در بارهٔ مطالب متفاوتی دعا خواهند کرد.)

5 دعا (8 دقیقه)

دعای واکنشی

در واکنش به آنچه که امروز آموختید، به‌نوبت دعاهایی کوتاه به‌حضور خدا بکنید.

یا گروه را به دسته‌های دو نفری یا سه نفری تقسیم کنید تا در واکنش به آنچه که امروز آموختید، به حضور خدا دعا کنید.

6 تکلیف (2 دقیقه)

برای جلسه بعد

(**رهبر:** این تکلیف را به‌صورت نوشته به اعضای گروه بدهید یا بخواهید که آن را در دفتر یادداشتشان رونویسی کنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا و موعظهٔ ملکوت احساس تعهد کنید.

برای یك فرد یا یك گروه «رومیان 1:18-32» را موعظه کنید، یا تعلیم دهید یا بررسی نمایید.

- اوقات خلوت: هر روز به اندازهٔ نصف فصل از تثنیه 4 و 5 و 6 و 7 بخوانید. از روش حقیقت دلخواه استفاده کنید. یادداشت بردارید.
- به خاطر سپردن: بر روی آیه جدید کتابمقدس تفکر کنید و آن را به خاطر بسپارید. پیروزی ملکوت: دانیال 2:44. 5 آیه آخری را که حفظ کردید، هر روز تکرار کنید.
- دعا: در این هفته برای یك شخص یا یك چیز مشخص دعا کنید و ببنید که خدا چه می‌کند (مزمور 5:3).
- آمادگی: مثل باغبانان شرور از متی 21:33-39 و مرقس 12:1-12 و لوقا 20:9-19. از روش 6 گام برای تفسیر مَثَل‌ها استفاده کنید.
- پوشهٔ مربوط به «موعظهٔ ملکوت خدا» را تکمیل کنید.